

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

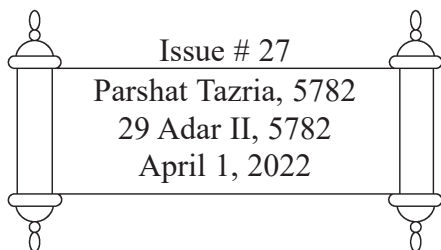
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, April 1, Light Shabbat Candles, by 6:55 p.m.

Saturday, April 2, Shabbat ends at 8:00 p.m.

(Times are for Los Angeles)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

تְּרִיעַ

میکنند در حالیکه انسان را بخودی خود پائین ترین موجودات می انگارد. این عقیده که متعلق به راو سیمیلی می باشد هر دو جنبه وجود انسان ("آدام" به زبان عبری) را در بر می گیرد. از یک طرف او از خاک زمین (آدام) به زبان عبری سررشته شده است و از طرف دیگر او این قدرت را دارد که الهی و آسمانی (آدامه لاعلیون)، شبیه به خداوند به زبان عبری بشود. و این ظرفیت اساسی انسان است که خودش را کاملاً از یک موجود طبیعی به یک موجود روحانی تبدیل کند.

۶- عبادت و خلاقیت

بنابراین کلمه "تْرِיע" تأکید بر کارو زحمت انسان در عبادت خداوند کرده و اهمیت آنرا گوشزد می نماید چرا که زمانی که زنی حامله می شود آن بچه در رحم مادر رشد می کند و یک موجود کاملاً تازه ای بوجود می آید. تولد بچه صرفاً این خلقت را که در لحظه نطفه بستن شکل گرفته شده است را ظاهر می کند. و زمانی که انسان وارد عبادت خداوند می شود او نیز موجود تازه ای را بوجود می آورد. انسان طبیعی به انسان روحانی تبدیل می شود. "آداما" یعنی خاک زمین "آدامه لاعلیون" به چیزی شبیه به خداوند تبدیل می شود. در این حالت روح الهی او نیز که ذاتی بوده است تبدیل به چیزی اکتسابی می شود چرا که از حالت هدیه بودن تبدیل به چیزی می شود که کسب شده، بدست آمده است.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 7, pp. 74-79)

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد هفتم ص ۷۴ الی ۷۹)

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

پاراشای قبل ششمینی شامل قوانین طهارت و کثروت برای حیوانات بود. این پاراشا همین مطالب را در مورد انسان ها عنوان می کند. در میدراش راو سیمیلی رابطه ای مابین این مطلب که حیوانات قبل از انسان آفریده شده اند و بنابراین قوانین مربوط به آنها هم قبل از قوانین مربوط به انسان ها گفته شده است را عنوان می کند. این رابطه چگونه است؟ در جواب به این سؤال این مبحث سعی می کند که شخصیت راوسیمیلی و این عقیده او را مورد بحث قرار بدهد و تفاوت های مهمی را که مابین خصوصیات ارثی و خصوصیات اکتسابی وجود دارد را عنوان می کند. این موضوع که انسانی که با صفات عالی به دنیا می آید و انسانی که این صفات را کسب می کند کدامیک برتر هستند موضوعی است که بسیاری را به تفکر واداشته است؟ مطالب زیر عمیقاً نقشی را که کوشش و تلاش در زندگی مذهبی دارد را عنوان می کند.

تְּרִיעַ

نام پاراشاها، همانگونه که قبلاً گفته شده^۱ فقط برای آن نیست که پاراشایی را از پاراشای دیگر جدا کند. هر نامی در زبان عبری اشاره به طبیعت آن موضوع و آن چیز می کند. نام پاراشا به ما طبیعت مطالب آن پاراشا را گوشزد می کند. به این ترتیب ما می بینیم که بعضی از پاراشاها نامشان کلمات آغازین پاراشا نمی باشد بلکه چند کلمه بعد از آن است که نام پاراشا را تعیین می کند کلمه ای که بهتر و بیشتر محتوای کلی پاراشا را میرساند.

این مطلب در این پاراشا صادق است. بعد از پاسوق^۲ و خداوند به مُشه اینگونه گفت. "اولین کلمه، کلمه "ایشا" به معنای "زن" می باشد "اگر زنی وضع حمل کند و پسری بیاورد" با این حال ما پاراشا را به نام "ایشا" نمی خوانیم بکه به نام تْرِיע.

بنابراین چه مفهومی در کلمه تْرِיע وجود دارد که تمامی محتوای پاراشا را در خود خلاصه می کند؟

همچنین توضیح راشی نیز بر پاسوق^۳ "اگر زنی وضع حمل کند" نیز سؤال برانگیز است. راشی با اشاره به میدراش می گوید^۴ "راو سیمیلی می گوید "همانگونه که خلقت انسان در

۱- برای توضیح بیشتر رجوع شود به صفحات ۱۴-۱۳ همین کتاب
۲- ویقرا را

نظام آفرینش بعد از خلقت حیوانات صورت گرفت بنابراین قوانین مربوط به انسان ها هم بعد از قوانین مربوط به حیوانات که در پاراشای قبل گفته شد عنوان شده است . به این ترتیب متن کلی پاراشای ما راجع به قوانین مربوط به انسان می باشد. بنابراین کلمه آغازین پاراشا "ایشا" به معنای "زن" بسیار مناسب این پاراشا است که در مورد قوانین مربوط به انسانها می باشد پس چگونه است که کلمه ترزيع برای نام این پاراشا انتخاب شده و به عنوان نامی که بیشتر محتوی کلی پاراشا یعنی قوانین مربوط به انسانها را میرساند تعیین شده است؟

۲- مقام انسان در نظام طبیعت

راو سیملائی در مطالبی که در بالا می گوید از کلمه "کشم" به معنای "به همان علت" استفاده می کند و نه از کلمه "کی" به معنای "به این علت" یا "چون که" به عبارت دیگر قوانین مربوط به انسانها بدنبال قوانین مربوط به حیوانات می آید نه به این علت که انسان در آخر آفریده شده بلکه به همان علتی که او در آخر آفریده شد. قوانین مربوط به او هم در آخر گفته شده است . و اما علت این که انسان در آخر آفریده شد چه بود؟ در میدراش و تلمود^۳ جواب های مختلفی به این سؤال داده شده است . یکی از آنها این است که اگر انسان به خودش مغرور بشود باید به او یادآور شد که حتی مورچه ها هم در ترتیب نظام آفرینش بر او مقدم بوده اند. علت دیگر آن بوده است که چنانچه انسان اول آفریده میشد ممکن بود که انسان های کافر بگویند که خداوند در خلقت جهان شریکی داشته و آن انسان بوده است . علت دیگر آن بوده است که او فوراً بتواند وارد انجام فرمان ها و میصوت خداوند بشود و همینطور انسان در روز ششم آفریده شد برای آنکه فوراً بتواند میصوای نگاه داری شبات را انجام بدهد. دیگر آن که او بتواند مستقیماً وارد مهمانی بزرگ الهی بشود به این معنی که تمام طبیعت برای استفاده او آماده شده بود. اما مفسرین تورا می گویند که مطالب بالا علل آخر بودن انسان در ترتیب آفرینش می باشند و نه نشان دهنده علت اینکه چرا قوانین مربوط به انسان ها بعد از قوانین مربوط به حیوانات گفته شده است . بنابراین معنای این تشابهی که راو سیملائی با کلمه "کشم" به معنای "به همان علت" عنوان می کند چیست؟

ظاهر نشده اند و لازم است که این قدرت ها بعداً بوسیله کوشش و تلاش در عبادت خداوند از درون به بیرون کشانده بشوند. در اینجا دومین عقیده که انسان در آخر آفریده شد اثبات می شود که به انسان یادآوری کند که حتی یک مورچه هم در این مورد بر او مقدم است .

ارتباط مابین این عقیده و شخصیت راو سیملائی این است که راو سیملائی دارای خانواده و اصل و نسب سطح بالایی نبود. در تلمود آمده است^{۱۳} که او به نزد ربی یوحنا آمد تا کتابی را که از اصل و نسب انسان ها صحبت میکرد را نزد او بیاموزد ولی ربی یوحنا او را قبول نکرد بنا به عقیده راشی علت اش آن بود که راو سیملائی دارای اصل و نسب بسیار پائینی بود. بنابراین او که نمی توانست مدعی داشتن خصوصیات ذاتی (اصل و نسب بالا) باشد خصوصیات اکتسابی که با زحمت و کوشش بدست می آید را ارج می نهاد. این موضوع نشان میدهد که چرا راو سیملائی به مطالعه ترتیب آفرینش علاقه مند بود. وقتی که انسان خلق می شود دارای هیچگونه خصوصیات اکتسابی نمی باشد بجز ظرفیت گناه کردن به همین علت هم در آخر آفریده شد. برای اینکه در این رابطه در پائین ترین مقام ها قرار می گیرد.

این مطلب توضیح دهنده این موضوع است که چرا پاراشایی که قوانین مربوط به انسانها در آن ذکر شد. ترزيع خوانده شده است . برای آنکه از مرحله نطفه تا زایش یک مرحله سعی و کوشش و زحمت می باشد . سمبل دیگری هم در پاسوق "اگر زنی وضع حمل کند" وجود دارد و آن اینکه مرحله تولید مثل به ترتیب از برانگیخته شدن از بالا یعنی انگیزه الهی و بعد از پائین یعنی (انگیزه انسانی)^{۱۴} شروع میشود . و در این مراحل عمل انسان بصورت های زحمت و کوشش و تلاش ظاهر میشود.

۵- دوجنبه از وجود انسان

اصلی در مورد انسان در شعر "لخادودی" که در شروع شبات می خوانیم وجود دارد که انسان "آخرین در عمل و اولین در اندیشه" می باشد . بدین طریق انسان که در نظام آفرینش آخرین بوده است اولین و هدف اصلی در پشت پدیده خلقت می باشد .

هر دو این عقاید در این با هم متفق القول هستند که انسان اوج نقطه خلقت می باشد اما یک جنبه از این مبحث او را در رابطه با ذات درونی او یعنی روح الهی او می نگرد و جنبه دیگر این مبحث مقام او را در رابطه با دست آوردهای بالقوه او از طریق سعی و کوشش در عبادت خداوند نگاه

خودش را جدا کرده و مقدس کند موضوع بسیار مشکل تری می باشد. بنابراین قوانین مربوط به رفتار انسان ها در آخر گفته شده است. اما، نه بخاطر برتری ذاتی انسان بر حیوان بلکه بخاطر کمبودهای انسان و این موضوع همچنین عقیده راو سیملائی می باشد که چرا انسان آخر آفریده شد که "اگر او به خود مغرور بشود به او یاد آوری کنیم که حتی یک مورچه هم در ترتیب آفرینش بر او مقدم بوده است".

۴- راو سیملائی

حالا ما می توانیم مابین این عقیده راو سیملائی که "به همان علت که انسان در ترتیب آفرینش آخر آفریده شد پس بنابراین قوانین مربوط به او نیز در آخر آمده است" و شخصیت راو سیملائی رابطه ای رادک کنیم.

انسان می تواند بدو طریق خصوصیات برجسته را کسب کند. یا با سعی و کوشش بسیار و یا بصورت ارثی و ذاتی هرکدام از این دو طریق امتیازهای خاص خودش را دارد. خصوصیات ارثی دارای حدی نمی باشد. یک خصوصیت و استعداد ذاتی که دارای حد و مرزی نمی باشد، با یک خصوصیت اکتسابی که با زحمت کسب شده، هرگز نمی تواند در یک سطح قرار بگیرد. اما از نظر شخصی آن خصوصیتی که با تمرین و کوشش و سعی و تلاش کسب شده است در مقام بالاتری از آن خصوصیتی که ذاتی بوده است قرار دارد. انسان همواره به آنچه که با زحمت کسب کرده است بیشتر علاقه و وابستگی دارد تا به آنچه که به او داده اند.

این مطلب تفاوت دو تعریف متضاد را در مورد مقام انسان به عنوان آخرین خلقت خداوند در نظام آفرینش مشخص می کند.

اولین تعریف آنکه، او در بالاترین مقام قرار دارد. و دومین آنکه او در کمترین و پائین ترین مقام. خصوصیات و استعدادهای ذاتی او در بالاترین هاست از هنگام تولد قبل از آنکه او شروع به عبادت خداوند بکند او دارای آنچنان روحی است که به معنایی قسمتی از خداوند می باشد. "این ظرفیت و استعداد حتی زمانی که از خداوند هم دور می باشد در وجود او باقی می ماند. ۱۲

اما در آن خصوصیتی که او از طریق کوشش و تلاش کسب می کند در نهایت او از هنگام تولد قبل از آنکه شروع به عبادت خداوند بکند به هیچ وجه بهتر از بقیه مخلوقات نیست. در واقع آنچه که در طبیعت فیزیکی او خیلی آسان دیده می شود عدم کنترل او و استعداد او برای انجام گناه می باشد. در این حالت (در هنگام تولد) قدرت های روحانی او هنوز

آلتر ربی در کتاب تئیا^۴ توضیح میدهد که به یک معنی مقام انسان از همه موجودات حتی حیوانات ناپاک و حتی از مورچگان نیز پائین تر است و آن اینکه نه فقط انسان گناه می کند و آنها گناه نمی کنند بلکه او می تواند گناه کند و آنها نمی توانند برای انسان گناه، هم بصورت بالقوه و هم بصورت بالفعل یک واقعیت است و برای حیوانات چیزی به نام گناه وجود ندارد و به همین علت قوانین مربوط به او نیز بعد از قوانین مربوط به حیوانات آمده است.

۳- نظم یادگیری

نظم معمول برای یادگیری تورا آن است که از مطالب ساده به طرف مطالب مشکل پیشرفت بشود. یک بچه پنج ساله یادگیری اش را با تورا شروع می کند بعد میشنا را در سن ده سالگی ۵ یاد میگیرد و به همین ترتیب جلو میرود. این موضوع در مورد مطالعات عمیق هم صادق است! ابتدا انسان با آشنایی از پائین ترین سطوح شروع می کند سپس سئوالات و جواب ها مطرح می شود و به این ترتیب مطالعات عمیق ادامه می یابد. ۶ ما به یک باره وارد بالاترین سطوح مطالعه تورا صرفا بخاطر مطالعه تورا نمی شویم همچون داوید هملخ که تورا ۷ را در بالاترین سطوح آن مطالعه میکرد. بلکه وقتی انسان مطالعه می کند این مطالعه را ابتدا از پائین ترین سطح با خودش و در ذهن خودش انجام میدهد و بتدریج به ۸ مطالب مهمتر و عمیق تر توجه میکند و به مطالعه آنها می پردازد.

از طرف دیگر زمانی که تورا داده شد این نظم برعکس انجام شد. ظهور آن از معنویت الهی به ۹ دنیای مادی و فیزیکی انسان، در واقع یک سقوط و فرود از بالا به پائین بود. در میشله کتاب امثال سلیمان) در توضیح دانش تورا آمده است که "در آن زمان من با او بودم و با او بزرگ شدم و من باعث خوشی روزانه او بودم." فقط بعد از آن است می گوید "خوشی من با بنی آدم بود". تورا از منبع الهی بالا به پائین آمد که به انسان متعلق بشود ۱۰ و مادر یادگیری مان این راه را دوباره از پائین به بالا طی می کنیم و از حالت فیزیکی و مادی به خداوند و به نزدیکی روحانی می رسیم.

این ترتیب یادگیری در ساختمان (و در نظم مطالب) تورا هم وجود دارد. به همین علت است که ابتدا قوانین مربوط به حیوانات عنوان شده است. جدا کردن دنیای حیوانات بوسیله تفاوت گذاشتن مابین حیوانات پاک و ناپاک نسبتا موضوعی بسیار ساده است. مسئله گناه در مورد آنها اصلا وجود ندارد. اما برای انسان که به او ظرفیت گناه کردن داده شده است، اینکه بخواهد